

نگاهی به کتاب اران از دوران باستان تا آغاز عهد مغول ۱



عقاب علی احمدی

جمهوری آذربایجان

یا جمهوری اران؟



که تاریخ قفقاز نشان می دهد، روسیه چندان هم در این کار ناموفق نبود.

سرزمین اران از دوران باستان، جایگاه اقوام گوناگونی بوده است که فرهنگ و زبانی متفاوت با فرهنگ و زبان کنونی آن داشته اند. دگرگونی نام ازان از دوران باستان و ضبط های گوناگون آن در نزد ملت های منطقه نیز به همین واقعیت وابسته است. تاریخنگارانی همچون آریان، فلاویوس، پولیبیوس و استرابون در سده های آغازین میلادی، این سرزمین را به نام باستانی "آلبانیا" نامیده اند. نام "آلبانیا" در نوشته های تاریخنگاران ارمنی به صورت "آغوان"، "آغوانک"، "آلوان" و "آلوانک" و در نوشته های جغرافیدانان دوره اسلامی به صورت های "آران" و "آران آمده است. در کتیبه شاپور اول، شاهنشاه ساسانی نام "آلبانیا" برای "آران" و جدا از نام "آذربایجان" آمده است. در متهای پارسی، چنان که تاریخنگار فقید ارانی، استاد اقرار علی اف اشاره کرده است، نام "آران" به صورت "آردان" نوشته شده است. نام "آران" در نوشته های گرجی به صورت "رانی" ضبط شده است. توجه به دگرگونی های نام های باستانی از راه یاری جستن از دانش زبان شناسی که یکی از راه های روشن گردانیدن نقاط تاریک تاریخ سرزمین های باستانی است، در پژوهش های دکتر عنایت الله رضا در کنار اسناد دیگر جایی در خور یافته است.^۱

و نهادن آن بر سرزمینی که در منابع گوناگون تاریخی، نام های دیگری داشته است، نقطه عطفی در سیاست های توسعه طلبانه ای بود که از سوی دو دولت روسیه و ترکیه عثمانی - که اولی پیرامون هزار سال از تاسیس نخستین دولت آن (دولت مسکوی) می گذرد و دومی پس از راهیابی ترکان سلجوقی به آناتولی در نهمصد سال پیش، در این منطقه فرمانروایی تشکیل داده است - اعمال می شد. دولت روسیه سیاست روسی کردن ماورالنهر و سرزمینهای جنوب روسیه را از دوران ناصرالدینشاه در دستور کار خود قرار داده بود، و توسعه طلبی ترکی زبانان قفقاز از روزگار پایگیری اندیشه پان تورکیسم (که وحدت ترکی زبانان جهان در ملتی واحد را تبلیغ می کرد) و برگزاری کنگره متحد حزب مساوات و حزب فدرالیست های ترک آغاز شد. باید افزود که پس از کنگره وحدت دو حزب پیشگفته، حزب مساوات به "حزب دموکراتیک فدرالیست های مساواتی ترک" تغییر نام داد.^۲

دولت روسیه چون کوشش های خود را از راه تدوین تاریخ برای ملت های منطقه کافی ندید، کوشید تا با ترکی کردن سرزمینهای قفقاز، براساس فرضی نادرست (که همانا در اکثریت بودن ترکی زبانان در قفقاز و فراگیری بودن فرهنگ آنان بود)، درگیری پایان ناپذیری را در میان قوم ها و ملت های ساکن این منطقه برپا کند. و چنان

سرزمینی که امروزه "جمهوری آذربایجان" نامیده می شود، برای هزاره ها و تا دهه دوم سده بیستم میلادی "آران" نام داشت. در ماه ژوئن ۱۹۱۸، سران حزب مساوات که نام اصلی آن "حزب دموکراتیک اسلامی مساوات" بود، در اران دولتی پدید آوردند و بخشی از سرزمین قفقاز را "جمهوری مستقل آذربایجان" نامیدند. پس از پیروزی انقلاب اکتبر، بلشویک ها قفقاز را تصرف کردند. به این ترتیب دولت مساوات سرنگون شد و سرزمین اران به خاک روسیه ضمیمه شد. دولت روسیه نیز نام آذربایجان را نگاه داشت و پس از مدتی، نام "جمهوری آذربایجان" به "جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان" دگرگون شد.^۳ دزدیدن یک نام چند هزار ساله مانند "آذربایجان"

دولت روسیه چون کوشش های خود را از راه تدوین تاریخ برای ملت های منطقه کافی ندید، کوشید تا با ترکی کردن سرزمینهای قفقاز، براساس فرضی نادرست (که همانا در اکثریت بودن ترکی زبانان در قفقاز و فراگیری بودن فرهنگ آنان بود)، درگیری پایان ناپذیری را در میان قوم ها و ملت های ساکن این منطقه برپا کند.

در سالهای پس از پایان جنگ جهانی دوم و در شرایطی که ایران در اشغال نیروهای متفقین و از جمله سپاهیان شوروی بود، پان تورکیست های قفقاز به صورت عاملی برای تجزیه آذربایجان به کار گرفته شدند و در قالب حزب دموکرات آذربایجان به رهبری سیدجعفر پیشه وری، حکومتی تحت سرپرستی و حمایت دولت شوروی در آذربایجان تشکیل دادند. در این زمان تئوری های برخی از تاریخنگاران دولتی روسیه شوروی به کار گرفته شد تا به تقسیم بندی ساختگی و دروغین آذربایجان شمالی و آذربایجان جنوبی اعتباری داده شود. کار به جایی رسید که تاریخنگاران قلم بمزد حزب کمونیست و استالین اعلام داشتند آذربایجان هیچگاه بخشی از ایران نبوده است و به طور موقت توسط ایرانیان و با اردوکنشی های استیلاگرانه آنها اشغال شده است^۱ چنان که دکتر رضامی گوید، وارد ساختن اتهام اشغالگر بودن به ایرانیان از آن سبب بود که می خواستند ارتش سرخ را یاری دهنده و رهایی بخش معرفی کنند.

پژوهشی که در قامت کتاب اران از دوران باستان تا آغاز عهد مغول به دست خوانندگان رسیده است، بر اساس کتابی شکل گرفت و گسترش یافت که در دهه هفتاد به نام آذربایجان اران (آلبانیای قفقاز) منتشر شد. مولف دانشمند معاصر در این کتاب با بررسی منابع و مآخذ معتبر فرهنگ های بومی منطقه همچون ایرانی، ارمنی، گرجی، عربی، ترکی، روسی و منابع اروپایی دیگر کوشیده است تصویری نسبتاً جامع از وضعیت فرهنگی قفقاز به خواننده خود بنمایاند. تدوین تاریخ تحولات سیاسی کشور اران (جمهوری آذربایجان)، تا آنجا که به ملت ها و قوم های همسایه آن ربط می یابد نیز کاری سترگ است که نویسنده به خوبی آن را به انجام رسانیده است. در کنار این کار، ویژگی های قومی و فرهنگی استان آذربایجان و تحولات تاریخی آن با بهره گیری از اسناد معتبر تاریخی همچون کتیبه ها، کتاب ها، سکه ها و نقشه های باستانی تشریح شده است تا از این راه تفاوت های دیرینه این دو سرزمین را بهتر نشان دهد. در بخش نخست کتاب که به مآخذ شناسی، قوم شناسی، زبان و باورهای دینی اختصاص داده شده است، مطالب در دروازه فصل تقسیم شده اند. نام فصل های بخش اول عبارت است از: مآخذ و منابع مربوط به آلبانیای قفقاز، نام آلبانیا (اران)، نام آذربایجان (اتورپاتکان)، محدوده آلبانیای قفقاز (اران)، محدوده آذربایجان، اقوام ساکن آلبانیای قفقاز (اران)، اقوام ساکن آذربایجان، زبان مردم

آلبانیا (اران)، زبان پارسی در آلبانیای قفقاز (اران و شروان)، زبان مردم آذربایجان، باورهای دینی در آلبانیای قفقاز (اران) و باورهای دینی مردم آذربایجان.

آنچنان که استرابون و دیگر تاریخنگاران باستانی نوشته اند، تاپیش از تاسیس دولت آلبانیای قفقاز، مجموعه ۲۶ قوم و طایفه با زبان ها و فرهنگ

سرزمین اران از دوران باستان، جایگاه اقوام گوناگونی بوده است که فرهنگ و زبانی متفاوت با فرهنگ و زبان کنونی آن داشته اند. دگرگونی نام اران از دوران باستان و ضبط های گوناگون آن در نزد ملت های منطقه نیز به همین واقعیت وابسته است. تاریخنگارانی همچون آریان، فلاویوس، پولیبیوس و استرابون در سده های آغازین میلادی، این سرزمین را به نام باستانی "آلبانیا" نامیده اند.

های گوناگون در آلبانیا زندگی می کردند. نام برخی از قوم های ساکن در آلبانیای قفقاز که در منابع گوناگون تاریخی آمده است، چنین است: سکاها، سودی ها، گاردمان ها، خچماتاک ها، ایژماخ ها، گات ها، تساودیات ها، ایسوندها، الوندها، پوخ ها، گلوارها، شیچب ها، بلاسیچ ها، یگرسوان ها.^۲ امروزه اقوام ساکن در اران عبارتند از: کاسپی ها، آلبان ها، میک ها، گل ها، اوتی ها، گرگرها، سیلوی ها، لوپنی ها، لاهیج ها، تات ها، تالش ها، بودوگ ها، کریزها و خینالوگ ها.^۳ در میان قوم های ساکن اران امروز گروهی دارای فرهنگ و زبان های ایرانی اند که با سیاست استحاله قومی دولت شوروی که به دولت جمهوری آذربایجان به ارث رسیده است، از تحصیل به زبان خود محروم اند.^۴ پیوند با فرهنگ ایرانی که از راه مهاجرت تیره های آریایی از ایران به آلبانیا (اران) روی داد، مهر و نشان خود را به گونه ای انکار ناپذیر بر تاریخ سرزمین آلبانیا نهاده است. دریافت این مهم به ویژه از بررسی فصل های سیزدهم تا هجدهم برمی آید: عنوان این فصل ها از این قرار است: آلبانیا از سده چهارم پیش از میلاد تا آغاز عهد ساسانی، آلبانیای قفقاز در عهد ساسانیان، شهرهای اران در دوران پیش از اسلام، اران از انقراض دولت ساسانی تا پایان خلافت امویان، اران از آغاز خلافت عباسی تا پایان دولت ساجیان، اشاره ای مختصر به عهد فرمانروایی سالاریان، رودیان، شدادیان و شروانشاهان.

در فصل های نوزدهم و بیستم که "درآمدن ترکان

به قفقاز و نفوذ زبان ترکی و "توران، ترکان، پان تورانیسم" نام گرفته اند، روند نفوذ ترکان به قفقاز و آذربایجان بر اساس اسناد تاریخی بررسی شده است. موضوع بسیار مهمی که در این بخش به آن پرداخته شده است، بررسی کوشش های گروهی از مورخان ترک برای هویت سازی ناشیانه و بی اساسی است که حتی قوم های باستانی همچون سکاها، سرمت ها، اورارتوها، ایلامی ها و اقوام غرب آسیا و شرق اروپا را ترک می دانند. این مورخان این کار را همچون وظیفه ای برای برآوردن خواست های سیاسی دولت ها پذیرفته اند. دلایل اجتماعی و سیاسی رواج زبان ترکی به جای زبان آذری (زبان آذربایجانیان باستان) نیز از دیگر مطالب فصل نوزدهم کتاب است. در فصل بیستم کتاب که "چرا نام اران از بین رفت؟" نام دارد، دلایل اجتماعی و سیاسی فراموش شدن این نام بررسی شده است.

و سرانجام در بخشی که پایان سخن نام گرفته است، مولف به بررسی معنای چند اصطلاح از قبیل "ترک"، "فارس"، "آذری" و -که اسباب و ابزار دست عوامفریبان حزبی و دست نشاندگان تاریخ معاصرند- می پردازد و خواست های سیاسی این گروه ها را بر ملا می کند.

کتاب اران از دوران باستان تا آغاز عهد مغول نشان می دهد که سرزمین اران (جمهوری آذربایجان کنونی) همواره از سرزمین ایرانی آذربایجان جدا بوده و رود ارس مرز طبیعی، فرهنگی قومی و نژادی میان آن دو بوده است.

پی نوشت ها:

- ۱- رضا، عنایت الله. اران، از دوران باستان تا آغاز عهد مغول. تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۲- نقل به مفهوم از: رضا، عنایت الله. آذربایجان و اران (آلبانیای قفقاز). تهران، انتشارات ایران زمین، چاپ اول، ۱۳۶۰، ص ۶۰.
- ۳- آذربایجان و اران، همان، ص ۶۰.
- ۴- اران از دوران باستان تا آغاز عهد مغول، همان، ص ۲۵ و ۲۶.
- ۵- آذربایجان و اران، همان، ص ۹.
- ۶- اران از دوران باستان تا آغاز عهد مغول همان، ص ۵۸۲-۵۸۱.
- ۷- همان ۱۳۶، تا ۱۶۰.
- ۸- همان، ص ۱۵۹.